**اتحاد استراتژیک جدید خاورمیانه ایران و روسیه را نگران کرده است**

یک روز قبل از اینکه جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در اسرائیل فرود بیاید، روسیه اعلام کرد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور هفته آینده با ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران و رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه دیدار خواهد کرد. زمان این بیانیه تصادفی نبود.

قرار است بایدن روز جمعه برای نشست دیگری با حضور رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس مصر، عراق و اردن به جده، عربستان سعودی در ساحل دریای سرخ برود. این نشست قرار است سنگ بنای همکاری دفاعی منطقه ای را در برابر تهدیدات مشترک علیه اعضای ائتلاف بگذارد.

ایران نیازی به توضیح ندارد تا نتیجه بگیرد که این یک ابتکار اسرائیلی-آمریکایی با هدف بسیج همسایگان ایران در یک جبهه مشترک علیه خود است. اما یک تحلیل منطقی از تهدید واقعی این اتحاد برای ایران می‌تواند نشان دهد که جمهوری اسلامی ترس زیادی ندارد.

تهران دورهای متعددی از مذاکرات با عربستان سعودی با هدف احیای روابط دیپلماتیک بین دو کشور برگزار کرده است. امارات متحده عربی چندین قرارداد با ایران در زمینه همکاری های اقتصادی و امنیتی امضا کرده است.

قطر و عراق متحدان اقتصادی و دیپلماتیک ایران هستند و عراق نیز به انرژی ایران وابسته است. مصر قبلاً تصریح کرده است که قصد ندارد به یک اتحاد نظامی علیه ایران بپیوندد.

حتی واشنگتن گفته است که قصد دخالت در اقدام نظامی علیه ایران را ندارد. بنابراین در عمل، حتی اگر چنین ائتلافی تشکیل شود، به طور اساسی تهدیدهایی را که ایران تاکنون با آن روبرو بوده، تغییر نخواهد داد.

اما این تحلیل آرامش سردی را برای تهران فراهم می کند و تهران می بیند که به تدریج سنگرهای حمایت استراتژیک خود را در منطقه از دست می دهد. ایران تا چند ماه پیش می‌توانست برای دور زدن تحریم‌های آمریکا به همکاری با روسیه و چین تکیه کند و ترکیه نیز بخشی از همین شبکه ایمنی محسوب می‌شد.

با این حال، در ماه فوریه، روسیه به اوکراین حمله کرد و به کشوری طرد شده تبدیل شد که تحت تحریم‌های شدید اقتصادی بین‌المللی خود خفه می‌شد. در نتیجه، توانایی آن برای کمک مالی و نظامی به ایران به شدت کاهش یافته است. همانطور که جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا گفته است، اگر درست باشد که ایران قصد دارد صدها هواپیمای بدون سرنشین به روسیه بفرستد، نقش دو کشور اکنون برعکس شده است: ایران به تامین کننده تسلیحات روسیه تبدیل شده است.

علاوه بر این، ترکیه روابط خود با امارات و عربستان سعودی را ترمیم کرده و به زودی سفیر خود را در اسرائیل منصوب خواهد کرد. بنابراین چین به تنهایی به خرید نفت ایران ادامه می دهد و به اندازه کافی برای رهایی ایران از یک بحران شدید اقتصادی که ثبات رژیم را تهدید می کند، خرید نمی کند.

ایران همچنین با توجه به قصد اعلام شده ترکیه برای تسخیر بخش‌های دیگری از منطقه شمالی این کشور، با ترس تحولات سوریه را تماشا می‌کند. هدف آنکارا ایجاد یک منطقه حائل در عمق حدود 30 کیلومتری علیه کردهای سوریه است که آنها را تروریست هایی می داند که امنیت آن را تهدید می کنند.

برای ایران، این فقط یک تهدید تاکتیکی نیست، بلکه تهدیدی است که می تواند آن را از موقعیت استراتژیک خود در سوریه و فراتر از آن محروم کند. تهران به سرعت ادعا کرد که این یک توطئه ترکیه-اسرائیل است که هدف آن این است که ترکیه تا حلب، یک شهر بزرگ، با هدف ممانعت از کنترل بشار اسد، رئیس جمهور سوریه بر کل کشور و بیرون راندن ایران از یک شهر بزرگ، پیش رود. تئاتر استراتژیک، تئاتری که از طریق آن گروه شبه نظامی حزب الله لبنان را مسلح می کند.

ایران تاکنون چندین گام برای مقابله با تهدید ترکیه برداشته است. این کشور شبه نظامیان مورد حمایت خود را در اطراف روستاهای شیعه نشین نبل و زهرا، که در دسترس نیروهای ترکیه قرار دارند، تقویت کرده است. نیروهای خودی چندین پایگاه را به تصرف خود درآورده‌اند که نیروهای روسی با کاهش حضور روسیه در سوریه به منظور تقویت نیروی جنگی خود در اوکراین، آن‌ها را تخلیه کردند. تهران همچنین فشار دیپلماتیک بر آنکارا وارد می کند تا از تهاجم خودداری کند.

در 27 ژوئن، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران برای دیدار با همتای ترک خود، مولود چاووش اوغلو، از آنکارا دیدن کرد. دومی به ایران در مورد برنامه ریزی اقدامات تروریستی در خاک ترکیه هشدار داد. امیرعبداللهیان عذرخواهی کرد، اما از ترکیه خواست به سوریه حمله نکند. بر اساس گزارش رسانه های ترکیه، چاووش اوغلو به او گفت که امنیت ترکیه در خطر است و بنابراین نمی تواند قول دهد که به آن حمله نمی کند.

حمله به سوریه همچنین ترکیه را در مسیر برخورد با روسیه قرار خواهد داد. مسکو از اسد می‌خواهد که کنترل کل کشور را دوباره به دست بگیرد و مطمئناً آماده مقابله با درگیری نظامی دیگری که نیاز به نیروهای اضافی دارد، بیشتر از آن با ترکیه - تنها کشور ناتو که به تحریم‌های روسیه نپیوسته است و حتی تلاش کرد تا از پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو جلوگیری کند.

پوتین نیز نسبت به ابتکار عملی که در بخش جنوبی خاورمیانه شکل می گیرد کور نیست – ابتکاری که واشنگتن را حداقل به تعامل دیپلماتیک باز می گرداند.

پس از آن که به نظر می رسید بایدن قصد دارد جدایی آمریکا از منطقه را کامل کند و آن را برای رهبری روسیه و چین باز بگذارد.

همه اینها فوریت نشست برنامه ریزی شده هفته آینده روسیه، ایران و ترکیه را توضیح می دهد. پوتین که نمی تواند جلوی تحرکات دیپلماتیک ترکیه را بگیرد یا توافقات حاصل از سفر بایدن را لغو کند، باید حداقل دارایی های موجود خود را حفظ کند.

اجلاس تهران رسما به عنوان دور دیگری از مذاکرات آستانه تعریف می شود که تاکنون بی نتیجه بوده است. هدف این گفتگوها ایجاد توافق بین دولت سوریه و شورشیان سوری درباره آینده این کشور بود.

اما نه مقامات دولت سوریه و نه نمایندگان مخالفان به این اجلاس دعوت نشده اند، همانطور که در تمام دورهای قبلی مذاکرات دعوت شده اند. در نتیجه، نشست هفته آینده تنها می تواند یک هدف کلیدی داشته باشد: حفظ رهبری روسیه در بلوک ضد آمریکایی (که در گذشته همکاری خوبی داشته اما اکنون در آستانه فروپاشی است)، یا حداقل حفظ ظاهری که چنین چیزی بلوک هنوز وجود دارد

با توجه به این هدف، تغییر چشمگیر در موضع ترکیه نیز قابل توجه است. تنها چهار سال پیش، پس از اینکه پوتین ماه‌ها تحریم‌های خفه‌کننده را به دلیل سرنگونی هواپیمای روسی توسط ترکیه در امتداد مرز ترکیه و سوریه اعمال کرد، مجبور شد به او سر بزند. اکنون آنکارا شبیه عروسی است که پوتین قطارش را حمل می کند.

بعید به نظر می رسد که اردوغان مایل به صرف نظر از این دارایی باشد که به او قدرت رقصیدن در عروسی های روسی، آمریکایی و ایرانی را می دهد.